

تأثیر تغییر مبدأ تقویم شمسی از هجری به شاهنشاهی بر نهضت اسلامی

سید محمود سادات بیدگلی

استادیار گروه تاریخ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)

m.sadat @ yahoo.com

مریم مدنی

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی

پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

madani71.m@gmail.com

چکیده

حکومت پهلوی در سال ۱۳۵۴ ش مبدأ تقویم شمسی کشور را از هجری (هجرت پیامبر: رویدادی مذهبی) به شاهنشاهی (تاج گذاری کوروش: رویدادی ملی) تغییر داد. این تغییر باعث واکنش قشرهای مختلف جامعه به ویژه روحانیون شد. شاه در نهایت در سال ۱۳۵۷ ش برای فرونشاندن اعتراضات مردم مبدأ تقویم را از شاهنشاهی به هجری بازگرداند.

هدف: پژوهش حاضر در پی رسیدن به پاسخی مناسب برای این پرسش است که واکنش گروه‌های مختلف مردم اعم از مذهبی (روحانیون)، دانشگاهی و احزاب به تغییر تقویم چه بود و این واکنش چه تأثیری در پیروزی نهضت اسلامی داشت؟
روش: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی انجام شده است.

نتیجه: شاه با تغییر تقویم بیش تر در پی نشان دادن عظمت ایران باستان به غربی‌ها بود و به فکر اهانت به دین اسلام نبود؛ ولی چون نمادی اسلامی را حذف کرده بود و نمادی شاهنشاهی را جایگزین آن کرده بود، روحانیون این تغییر را توهین به اسلام و پیامبر قلمداد می‌کردند. دانشجویان این عمل را در جهت حذف اسلام می‌دانستند و احزاب هم این اقدام را زمینه تغییر قانون اساسی می‌پنداشتند.

واژگان کلیدی: تقویم؛ تقویم هجری شمسی؛ تقویم شاهنشاهی؛ واکنش؛ امام خمینی.

حکومت پهلوی دوم به تاریخ ایران باستان گرایش داشت و در این زمینه اقداماتی هم انجام داد. یکی از این اقدامات تغییر مبدأ تقویم رسمی کشور (تقویم شمسی) از هجری (هجرت پیامبر اسلام حضرت محمد از شهر مکه به مدینه) به شاهنشاهی (تاج‌گذاری کوروش) بود.

مهم‌ترین رکن هر گاه‌شمار مبدأ آن است. هر مبدأ نشانه‌ای از پیشینه و هویت فرهنگی جوامع است. در مسیحیت، تاریخ تولد عیسی مسیح و در اسلام تاریخ هجرت پیامبر از مکه به مدینه، مبدأ تقویم قرار گرفته‌اند. تغییر دادن مبدأ تقویم تبعاتی به‌همراه داشت، زیرا مبدأ تقویم (هجرت پیامبر) یکی از نمادهای اسلامی جامعه ایران بود. گروه‌های گوناگونی به این تغییر اعتراض کردند؛ مهم‌ترین گروه روحانیون بودند. آن‌ها شاه را به سبب این تغییر ضد دین می‌دانستند و این کار را در جهت تضعیف اسلام می‌دیدند. امام خمینی که در تبعید به سر می‌برد، به این تغییر واکنش نشان داد. این تغییر بر نهضت اسلامی تأثیری مثبت گذاشت. سخنرانان در اکثر سخنرانی‌های مذهبی، از این تغییر صحبت می‌کردند و افکار عمومی را متوجه این اقدام حکومت می‌کردند؛ در نهایت انقلابیون از این ظرفیتی که خود حکومت ایجاد کرده بود نهایت استفاده را بردند.

۱- واکنش گروه‌های گوناگون به تغییر مبدأ تقویم رسمی کشور

تا پیش از سال ۱۳۵۴ش مبدأ تقویم ایران هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه بود. حکومت پهلوی دوم در سال ۱۳۵۴ش این مبدأ را با بر تخت نشستن کوروش کبیر جایگزین کرد. گروه‌های زیادی به این تغییر واکنش نشان دادند، ولی مهم‌ترین گروه روحانیون بودند. (حسینی طهرانی، ۱۳۶۴، صص ۷۵-۱۴۰). «تأکید شاه بر دوران پیش از اسلام ایران زنگ خطر را برای روحانیون به صدا درآورد و آن‌ها این خطر را وقتی نزدیک‌تر دیدند که شاه دستور داد تقویم ایران تغییر کند» (فرهنگ در عصر پهلوی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳).

روحانیون این تغییرات باستان‌گرایانه را اعلان جنگ با مذهبی‌ها می‌دانستند و این حرکت [تغییر مبدأ تقویم] را اقدامی نمادین در جهت مخالفت با نمادهای اسلامی تعبیر می‌کردند (استوار، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹). آن‌ها معتقد بودند که این تغییر از ترفندهای دین‌ستیزانه شاه است و شاه می‌خواهد در درازمدت تاریخ اسلام را از بین ببرد و تهاجم علیه ماه‌های محرم و رمضان را شروع کند (تهاجم به روحانیت...، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

رژیم پهلوی با خوانشی جدید به تبیین ابعاد نمادین ایران باستان پرداخت و فقط بر شکوه شاهنشاهی تأکید کرد و به هم‌سوبودن نمادهای ایران باستان و اسلام اهمیتی نداد (استوار، ۱۳۹۱، ص ۴).

۱-۱- واکنش روحانیون

آیت‌الله گلپایگانی اولین شخصی بود که به این تغییر اعتراض کرد. او فردای تصویب تغییر مبدأ تقویم نامه‌ای به جعفر شریف‌امامی - رئیس مجلس سنا - و عبدالله ریاضی - رئیس مجلس شورای ملی - نوشت. او الغای تاریخ هجری شمسی را موجب تعجب و نگرانی مسلمانان دانست و این کار مجلسین را توهین به اسلام و صاحب شریعت نامید. او تغییر مبدأ تقویم را برای ملتی که اکثریت آن مسلمان هستند قابل تحمل ندانست و از مجلسین خواست تا با لغو کردن این قطع‌نامه علاقه و احترام خود را به دین اسلام و تاریخ اسلامی اعلام کنند. او در پایان نامه خود از تاریخ قمری استفاده کرد (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۴۰۰-۴۰۱).

در یادداشت‌های علم به تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۵۴/۱۷ مارس ۱۹۷۶ آمده است که آیت‌الله خوانساری به تغییر تقویم اعتراض کرده است (علم، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۵۰۵).

گزارشی از ساواک مربوط به ۲ فروردین ۲۵۳۵ (۱۳۵۵) / ۲۲ مارس ۱۹۷۶ به دست آمده است که: آیت‌الله شریعتمداری تاکنون هیچ‌گونه تلگرافی درباره تبریک پنجاهمین سال سلطنت پهلوی و یا تغییر تقویم ایران مخابره نکرده است؛ ولی وقتی مردم و روحانیون به منزل او مراجعه کرده‌اند و خواستار ارسال تلگرافی به مقامات حکومت برای تغییر تقویم ایران شده‌اند، او اظهار داشته است که در این

زمینه اقدام خواهد کرد (مراسان، ش ۳۳۵۱، ص ۱۳).

در تاریخ ۹ فروردین ۲۵۳۵ (۱۳۵۵) / ۲۹ مارس ۱۹۷۶ سمینار تربیت کودک و نوجوان با حضور آیت‌الله شریعتمداری در قم برگزار شد. او پس از پایان جلسه درباره تغییر تقویم گفت: «سال هجری شمسی را از رسمیت نیندازند. چه مانعی دارد هم تاریخ شاهنشاهی داشته باشیم و هم تاریخ شمسی را حفظ کنیم. این تاریخ را رضاشاه رواج داد و تاریخ خوبی است زیرا هم مذهبی است و هم روز و ماه ایرانی دارد. در مورد تقویم قمری، نخست‌وزیر اشاره‌ای کردند؛ اما این تقویم رسمیت ندارد و از رواج خواهد افتاد و لزومی ندارد که روی سال قمری یعنی ۱۳۹۶ ق تأکید شود» (مراسان، ش ۳۳۵۱، صص ۴۵، ۴۸، ۴۹).

آیت‌الله مرتضی حائری هم خطر تضعیف تشیع را در ایران پیش‌بینی می‌کرد و دولت را عامل آن می‌دانست. او به ناراحتی جامعه روحانیت اشاره می‌کرد و تغییر تاریخ هجری شمسی را نوعی بی‌احترامی برای تضعیف تشیع و تحکیم دین زرتشت می‌دانست (مراسان، ش ۱۰۷۲، ص ۱).

در ۴ مهر ۲۶/۱۳۵۵ سپتامبر ۱۹۷۶ حدود شش ماه پس از تغییر تقویم ایران، امام خمینی - که در عراق در تبعید به سر می‌برد - به مناسبت عید فطر در پیامی به عموم مسلمین و دانشجویان نوشت: «شاه برای تضعیف اسلام و محو نام آن، نغمه تغییر مبدأ تاریخ را ساز کرد.» امام خمینی این تغییر را جنایتی بزرگ دانست و از مردم خواست تا با استعمال این تاریخ جنایتکار مخالفت کنند. همچنین او این تغییر را هتک اسلام دانست. امام در آخر این پیام استعمال این تاریخ را بر عموم حرام دانست و این عمل را پشتیبانی از ستمکار و ظالم و مخالفت با اسلام عدالت خواه شمرد (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۱۷۰-۱۷۱).

به دنبال تحریم استفاده از تقویم، طلبه‌ای به نام علیان طهرانی از کارمندان بانک سؤال کرد که اگر چک را با تاریخ شمسی بنویسد، بانک قبول می‌کند؟ و بانک هم با تأکید بر اینکه شاید برای کسی که چک را نوشته است گران تمام شود و ساواک دستگیرش کند، آن چک را پذیرفت (سیر مبارزات امام خمینی در آینه...، ۱۳۸۶، ج ۷، صص ۴۵۷-۴۵۸).

در طول سال ۲۵۳۵ (۱۳۵۵) به مراجع تذکر داده شد که لازم است تا از تقویم شاهنشاهی استفاده کنند؛ ولی آن‌ها دست از مخالفت برنداشتند. مراجعی مانند شریعتمداری، مرعشی نجفی، صادق روحانی و علامه وحیدی همه ساله تقویم دیواری چاپ می‌کردند و عکس‌های خود را روی تقویم‌ها نصب می‌کردند و رایگان در اختیار مردم می‌گذاشتند؛ ولی در سال ۲۵۳۶ (۱۳۵۶)/۱۹۷۷ م هیچ‌کدام تقویم چاپ نکردند، زیرا باید تاریخ شاهنشاهی را در تقویم قید می‌کردند. در گزارش ساواک آمده است که قبلاً از مراجع در زمینه به‌کاربردن تاریخ شاهنشاهی استفتا شده است و آن‌ها بر حرام بودن آن فتوا داده‌اند؛ بنابراین چاپ نکردن تقویم هم نوعی مخالفت روحانیون با تغییر تاریخ کشور قلمداد می‌شود (مراسان، ش ۳۳۵۵، ص ۱۱). به ساواک خبر رسید که آیت‌الله شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی در چک‌هایی که می‌نویسند از تاریخ شمسی استفاده می‌کنند و خود را به استفاده از تاریخ شاهنشاهی ملزم نمی‌دانند و بانک‌ها نیز با ملاحظه تاریخ هجری شمسی وجه قید شده را پرداخت می‌کنند. چون مداومت این اقدام باعث می‌شد تا تاریخ شاهنشاهی رواج نیابد، نصیری رئیس ساواک از نخست‌وزیر خواست تا بانک‌ها از پرداخت وجه چک‌های دارای تاریخ غیر شاهنشاهی خودداری کنند (مراسان، ش ۳۳۵۵، ص ۱۹).

بانک مرکزی ایران به بانک‌ها دستور داد تا از تاریخ شاهنشاهی استفاده کنند و به هیچ‌عنوان وجهی را با تاریخ شمسی نپردازند. براساس این ابلاغ، روحانیون - که قبلاً در اسناد بانکی خود از تاریخ شمسی استفاده می‌کردند - مجبور شدند تا از تاریخ شاهنشاهی در مبادلات بانکی استفاده کنند (مراسان، ش ۳۳۵۵، صص ۲۸، ۳۲، ۳۳).

امام در پاسخ به نامه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا به تاریخ ۴ مرداد ۱۳۵۶/۲۶ جولای ۱۹۷۷ نوشت که شاه فقط تظاهر به اسلام می‌کند، ولی احکام اسلام را یکی پس از دیگری پایمال می‌کند؛ تاریخ پرافتخار اسلام را محو و به جای آن تاریخ ننگین ستمکاران و جباران را جایگزین می‌کند (صحیفه امام، ...، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۲۰۱-۲۱۱).

با بالاگرفتن اعتراضات مردمی در سال ۱۳۵۶ ش/۱۹۷۷ م شاه زیر فشار دولت

دموکرات آمریکا مبنی بر دادن آزادی‌های سیاسی، تصمیم گرفت تا دموکراسی و آزادی بیش‌تری به مردم و گروه‌ها بدهد. در این راستا روحانیون بیش‌تر از قبل آزادی بیان پیدا کردند و در سخنرانی‌های خود از دولت و حکومت انتقاد کردند. در لرستان فخرالدین رحیمی که ممنوع‌المنبر بود به مسجد رفت و دربارهٔ تحریم تاریخ شاهنشاهی و دیگر مسائل سخنرانی کرد (مراسن، ش ۷۴۹۷، ص ۳۲).

در این اوضاع، مصطفی خمینی فرزند امام خمینی فوت کرد. از نظر مردم فوت او مشکوک بود و این ماجرا بر اذهان آن‌ها تأثیر گذاشت. امام در ۲۵ آبان ۱۳۵۶/۱۶ نوامبر ۱۹۷۷ برای تشکر از ابراز همدردی مردم پیامی فرستاد و در آن بر ادامهٔ مبارزه تأکید کرد. امام نوشت: «آن روزی که تاریخ پرافتخار اسلام [را] که مبدأ عدالت و آزادی و رشد فردی و اجتماعی و سیاسی است، به تاریخ ارتجاعی شاهنشاهی و مجوسی‌گرایی برگرداند چرا در مطبوعات سخنی از نقد نبود؟» (صحیفهٔ امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۶۷). از این تاریخ بود که امام تغییر تقویم را به معنای گرایش حکومت به دین زرتشت دانست و طرفدارانش هم به تبعیت از او این تغییر را نشانهٔ زرتشتی‌گرایی حکومت دانستند. یکی از بندهای ۱۳ گانهٔ قطعنامه‌ای که در مراسم چهلم مصطفی خمینی در قم خوانده شد، بازگشت تاریخ رسمی مملکت به دامن پرافتخار اسلام و مبدأ هجرت رسول اکرم بود. عبدالمجید معادی خواه گفت: «چرا تاریخ اسلام را عوض کردید؟ این تاریخ هجرت پیامبر را علی درست کرده و شما که دم از حکومت علی می‌زنید با ازین بردن این تاریخ مخالفت خود را با علی و پیامبر نشان می‌دهید» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۶، کتاب اول، صص ۱۸۶-۱۸۸).

آیت‌الله گلپایگانی در روز ۱۶ آذر ۱۳۵۶/۷ دسامبر ۱۹۷۷ در پایان درس خود به بعضی از اقدامات دولت و از جمله تاریخ شاهنشاهی حمله کرد. او تغییر تقویم را نشانهٔ رواج آتش پرستی (دین زرتشتی) برای تضعیف اسلام دانست (مراسن، ش ۷۷۸۰، ص ۵۹).

امام خمینی علیه انتشار مقالهٔ «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامهٔ اطلاعات، پیامی منتشر کرد. او در این پیام رژیم را متهم کرد که در مأموریت از جانب اجانب،

با تغییر تاریخ پرافتخار اسلام به تاریخ ستمکاران و روسیاهان تاریخ می‌خواهد اسلام را محو کند (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۱۷).

امام خمینی در ۲۴ بهمن ۱۳۵۶/۱۳ فوریه ۱۹۷۸ در پیامی به انجمن‌های اسلامی در اروپا به شرح وظایف روشنفکران مسلمان پرداخت. «جوانان روشنفکر باید در هر فرصت در نشریات حزبی و غیرحزبی و در تظاهرات، اعمال ضداسلامی و انسانی شاه را آشکار کنند؛ خصوصاً تغییر تاریخ اسلام [را] که اهانتی جبران‌ناپذیر به شخصیت پیامبر اسلام و مسلمین و گرایش به زرتشتی‌گری است.» امام شاه را مخالف اسلام دانست و درباره سفر شاه به هند گفت: «در این سفر زرتشتی‌ها و گبرها را احترام می‌کند و آتش‌پرستی را تأیید می‌کند و به‌خاطر آنهاست که تاریخ اسلام را تغییر داده و جز همان فرقه کسی موافق شاه نیست» (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۳۲۲-۳۲۴).

امام خمینی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶/۱۸ فوریه ۱۹۷۸ به‌مناسبت چهلم شهدای قم در جمع روحانیون سخنرانی کرد: «شاه با اقداماتی نظیر تغییر تاریخ اسلام نشان داد که با اسلام مخالف است. یکی از بدترین کارها همین تغییر تاریخ بود. حتی این کار از این کشتارها بدتر است، زیرا با حیثیت رسول خدا بازی کرد.» امام در پایان سخنرانی خود به بعضی از روحانیون کنایه زد که مگر می‌شود کسی عالم باشد و با قتل عام یا تبدیل تاریخ موافق باشد (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۳۳۶-۳۴۳). در سال ۱۳۵۷ ش ۱۹۷۸ م هم اعتراضات به تغییر تقویم ادامه داشت. در مراسم چهلم شهدای تبریز در شهر تربت حیدریه واعظی به‌نام امامی تغییر مبدأ تاریخ ایران را محکوم کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۶، کتاب چهارم، ص ۱۰۶).

امام خمینی در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷/۲۹ آوریل ۱۹۷۸ در پیامی به‌مناسبت چهلم شهدای تبریز به مقاله‌ای در شماره ۱۵۵۷۵ روزنامه اطلاعات اشاره کرد که زرتشتیان در آن از شاه به‌خاطر حمایتش تشکر کرده بودند. امام این ارتباط با زرتشتیان را نتیجه احیای دین زرتشتی و آتشکده‌ها توسط حکومت دانست (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۳۷۹-۳۸۰).

در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۷/۱۶ می ۱۹۷۸ آیت الله شریعتمداری گفت که مسیحی‌ها به تاریخ مسیحیت خود افتخار می‌کنند؛ ایرانیان مسلمان نیز باید به تاریخ هجرت پیامبر خود افتخار کنند (مراسن، ش ۱۱۶۸، ص ۱۷).

در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۵۷/۱۵ ژوئن ۱۹۷۸ عبدالحسین دستغیب هم تاریخ شاهنشاهی را محکوم کرد. او تاریخ شاهنشاهی را تاریخ گبرها (زرتشتیان) دانست و از اینکه تاریخ سنگ مزار مسلمانان به شاهنشاهی است ناراحت بود و از مردم خواست که چک‌هایشان را به تاریخ شمسی بنویسند و معتقد بود که اگر همه این کار را بکنند، حکومت کوتاه خواهد آمد (مراسن، ش ۴۳۹۹۱، ص ۲۲۳).

وقتی زمزمه‌های تغییر دولت هویدا به گوش امام رسید ایشان در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۵۷/۲۷ جولای ۱۹۷۸ مطالبی را به مردم تذکر دادند، از جمله اینکه: شاه خود را شکست خورده می‌بیند و می‌خواهد افرادی را که چندین سال است با شاه همراه هستند و به تبدیل تاریخ اسلام به تاریخ گبرها و آتش پرست‌ها رأی داده‌اند، ملی جلوه بدهد تا در مواقع حساس، با نفوذ در میان روحانیون مأموریت خود را اجرا کنند (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۳۳).

به گزارش ساواک، میرابوالفضل موسوی واعظ در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۵۷/۱۷ اوت ۱۹۷۸ در مسجد خلخالی مسبب تغییر تاریخ شمسی را نفرین کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۶، کتاب هشتم، ص ۳۱۱).

انتشارات مسجد جلیلی تقویم اسلامی چاپ کرده بود. ناصر اتابکی کارمند هواپیمایی ملی با مشورت مهدوی کنی پیش‌نماز مسجد این تقویم را چاپ کرده بودند. در بالای صفحات تقویم عکس‌هایی از افراد جنگ‌زده و گرسنگان آفریقای چاپ شده بود و روز تولد شاهنشاه در این تقویم نبود. خادم مسجد جلیلی این تقویم را می‌فروخت، ولی ساواک آن را جمع‌آوری کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۶، کتاب هشتم، ص ۱۲۷).

در مسجد شاه شهر قزوین واعظی ناشناس خواستار بازگشت مبدأ تقویم تاریخ به هجرت پیامبر شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۶، کتاب دهم، ص ۱۳۰).

امام خمینی از تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۵۷ تا ۱ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ تا ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ در ۱۰ سخنرانی خود در پاریس به موضوع تغییر تقویم اشاره کردند. ایشان بلافاصله پس از ورود به فرانسه و دیدار مستقیم با دانشجویان و با دراختیار داشتن رسانه‌های گوناگون از تغییر مبدأ تقویم سخن گفتند. امام تغییر مبدأ تقویم را با ادعای اسلام‌خواهی شاه در تناقض دانست: «چطور می‌شود تاریخ اسلام را عوض کرد و خود را مسلمان نامید» (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۹۱).

امام، خیانت‌های شاه از جمله دادن نفت به خارج، خراب کردن وضع زراعت، تضعیف فرهنگ، و ازدست‌دادن حیثیت نظام را یک طرف می‌داند و قضیه تغییر تاریخ را یک طرف؛ و اهمیت این تغییر را بسیار زیاد می‌داند. امام هدف شاه را تقویت زرتشتیان و اهانت به پیامبر می‌داند: «او [شاه] می‌خواست که به زمان قبل از پیامبر بازگردیم و فقط ایران را با شئون ایرانی اش بسنجیم نه اسلامی اش». امام شاه را مرتجع می‌داند، چون که تاریخ را به دو هزار و پانصد سال پیش برده‌است و نمایندگان مجلس را خیانت‌کار و مجلس را خلاف قانون اساسی می‌داند، چون که به تغییر تاریخ اسلام رأی داده‌اند (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۴، صص ۱۱۰-۲۸۶).

سخنرانی‌های امام نشان‌دهنده این نکته است که موضوع تغییر مبدأ تاریخ برای ایشان بسیار مهم بوده‌است. هر جا که صحبت از اهانت به اسلام بود، مهم‌ترین موضوع تغییر مبدأ بود نه مسائل دیگر از قبیل کازینوها و قمارخانه‌ها. ولی اینکه چرا امام بعد از حدود شش ماه به این تغییر واکنش نشان دادند مشخص نیست. روحانیون دیگری هم بودند که از تغییر تقویم ناراضی بودند. ماشاالله کازرونی در خاطرات خود به پیام ارسال‌شده امام خمینی از نجف علیه این تقویم، اشاره کرده‌است. کازرونی به همراه دوستانش این پیام امام را در برازجان و دشتستان تکثیر و پخش می‌کرده‌اند. او در خاطراتش می‌گوید: به دلیل تحریم تاریخ شاهنشاهی از جانب امام خمینی، در فاکتورها یا از تاریخ شمسی استفاده می‌کردند یا اگر ادارات اصرار می‌کردند، تاریخی نمی‌زدند و به همین دلیل فاکتورشان از بین رفته‌است

(خاطرات ماشاالله کازرونی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹).

دری نجف‌آبادی در خاطراتش به این موضوع اشاره کرده‌است که این موضوع تغییر تقویم برای او غیرقابل‌پذیرش بوده و در کنار بسیاری از طلاب به مخالفت با آن برخاسته‌است. ایشان حتی برای دو دخترش که در این سال‌ها به دنیا آمده بودند - به دلیل درج تاریخ شاهنشاهی - شناسنامه تهیه نکرده بود (خاطرات دری نجف‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸).

محمد سمایی معتقد است که تغییر تقویم برای تقویت دین زرتشتی بوده‌است (خاطرات محمد سمایی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶).

بیش تر روحانیون تغییر تقویم را نشانه اسلام زدایی حکومت پهلوی می‌دانستند. علی دوانی معتقد است: «تغییر تاریخ شمسی به شاهنشاهی مقدمه‌ای برای تغییر تعطیلی روز جمعه به یکشنبه بود؛ ولی با اعتراضات روحانیون این نقشه عملی نشد و به همه ثابت شد که تاریخ‌سازان موسی و عیسی و محمدند، نه کوروش و محمدرضاشاه و امثال این‌ها» (دوانی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۴۷۵).

جعفری اصفهانی در خاطرات خود به نقل از نمایندگان مجلس سنا در نطق‌های پیش از دستورشان، نوشته‌است: «که ما می‌خواهیم فرهنگ ملی ایران را از فرهنگ بیگانه پاک‌سازی کنیم و جمع فرهنگ اسلامی و ملی امکان‌پذیر نیست» (خاطرات جعفری اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴).

محمدحسن خاکساران هم، سیاست حکومت پهلوی را اسلام‌زدایی از ایران دانسته‌است. او معتقد است که به‌هنگام تغییر تقویم، علما واکنش قابل‌ذکری نشان ندادند، زیرا تاریخ و تقویم را اعتباری می‌دانستند و برای آن اهمیتی قائل نبودند (خاطرات محمدحسن خاکساران، ۱۳۸۳، ص ۹۶). این سخن نادرست است، چون تحقیقات مقاله حاضر مشخص می‌کند که اکثر روحانیون به موضوع تغییر تقویم واکنش نشان داده‌اند.

سیدحسین موسوی تبریزی هم در خاطرات خود از تغییر تقویم یاد کرده‌است. او نیز معتقد است که علما به این تغییر واکنشی درست نشان ندادند و به تلگراف

آیت‌الله گلپایگانی اشاره می‌کند و اینکه اصرار ایشان به آقای نجفی اثر نکرده است و نجفی متذکر شده است که اگر دیگر مراجع اقدام کنند او نیز حمایت خواهد کرد. موسوی تبریزی هم این کار شاه را نتیجه اسلام‌زدایی حکومت دانسته است (خاطرات موسوی تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۶).

محمد یزدی نیز در کتاب خاطرات خود به فتوای امام خمینی مبنی بر حرام بودن استفاده از تقویم پرداخته است. او به این نکته اشاره می‌کند که متدینین با تمام سختی‌هایی که وجود داشت از این استفتا اطاعت می‌کردند و حتی متون خود را بدون تاریخ می‌نوشتند (خاطرات محمد یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵).

نوری همدانی هم تغییر تاریخ را نشانه خیانت محمدرضا شاه می‌داند. او معتقد است که تمام ملل عالم براساس اعتقاد دینی خود می‌خواهند تاریخ، یادآور گذشته پرافتخار آن‌ها باشد و به همین خاطر ملل مسیحی میلاد حضرت عیسی و مسلمانان هجرت پیامبر را مبدأ تاریخ خود قرار داده‌اند. در همان روزها محیط طباطبایی مقاله‌ای منتشر کرد و بی‌ارزش و غلط بودن تاریخ شاهنشاهی را متذکر شد (نوری همدانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۴۳).

روح‌الله حسینیان در کتابش از واکنش‌ها به تغییر تقویم سخن گفته است. او به تلگراف آیت‌الله گلپایگانی و اعتراضات امام خمینی اشاره کرده است؛ هم‌چنین به درخواست تعدادی از روحانیون از آیت‌الله شریعتمداری مبنی بر مخابره کردن تلگرافی به حکومت اشاره کرده است، ولی به تلگراف‌ها و اعتراضات آیت‌الله شریعتمداری هیچ اشاره‌ای نکرده است، گویا در این کتاب تصریح شده که شریعتمداری در برابر این تغییر واکنشی نداشته است (حسینیان، ۱۳۸۳، صص ۵۸۴-۵۸۶).

۲-۱- واکنش دانشجویان

یکی دیگر از گروه‌های معترض به تغییر تقویم دانشجویان بودند. اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان در اروپا در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۵۵/۳۰ مارس ۱۹۷۶ در بیانیه‌ای با تیترو «تغییر مبدأ تاریخ گامی دیگر [در] جهت تحمیل نظام ضد مردمی

شاهنشاهی» شاه را متهم کرد که در پی حذف اسلام از جامعه ایران است و می‌خواهد ایدئولوژی شاهنشاهی را جایگزین کند. این اتحادیه هم‌چنین رژیم را وابسته به سلطه جهانی دانست و معتقد بود که شاه با تضعیف اسلام می‌خواهد کارمایه انقلابی را از خلق بستاند و زمینه مطلق‌العنانی خود را دائمی سازد. «تغییر تقویم توطئه‌ای است علیه اسلام و مصالح خلق مسلمان ایران؛ اما این توطئه محکوم به شکست است.» در این بیانیه این‌گونه نوشته شده است: «اسلام با رژیم شاهنشاهی که ماهیتی مبنی بر شرک دارد و وارث همه رژیم‌های ضد‌مردمی تاریخ جامعه ماست در تضاد مستقیم و آشکار و آشتی‌ناپذیر است... اسلام در طی ۱۴۰۰ سال تنها نیروی مقاوم مردمی بوده است که با اساس حکومت‌های مطلقه شاهی ایران مبارزه کرده است» (ساکما، ۱۷۴۱۱-۲۹۶).

ساواک نامه‌های شخصی دانشجویان مقیم آمریکا را بررسی می‌کرد، چون در بعضی از این نامه‌ها درباره تاریخ شاهنشاهی و دیگر مسائل صحبت شده بود؛ ساواک خانواده این دانشجویان را شناسایی می‌کرد (مراسان، ش ۲۷۰۱، ص ۳۴). دانشجویان دانشگاه اصفهان هم در سالن غذاخوری بیانیه‌ای علیه حکومت خواندند و در آن به ازین‌بردن اسلام به دست حکومت با تبدیل تاریخ اسلام به تاریخ شاهنشاهی، اشاره کردند. قسمتی از بیانیه بدین شرح است: رژیم با تمام امکاناتش تلاش دارد تا فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلامی را مسخ کند و براندازد و تبدیل تاریخ باعظمت اسلامی به تاریخ سیاه شاهنشاهی نمونه‌ای از این تلاش است (مراسان، ش ۲۰۸۵، ص ۳).

۳-۱- واکنش کارگران

کارگران کارخانه «دنیای فلز» نوار سخنرانی عبایی واعظ را که از وضع مملکت انتقاد می‌کرد در کارخانه گوش می‌دادند. این سخنرانی، حکومت وقت را با زمان معاویه مقایسه می‌کرد و آن را متهم می‌کرد که برای پیشرفت دین زرتشت تقویم را تغییر داده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۶، کتاب هفتم، ص ۴۹).

۴-۱- واکنش احزاب

حزب زحمتکشان یکی دیگر از گروه‌هایی بود که به تغییر مبدأ تقویم واکنش نشان داد. مظفر بقایی در سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷ اعلامیه‌ای در انتقاد از گزارش‌های کمیسیون رسیدگی به ضایعات اقتصاد اداری منتشر کرد. او تغییر مبدأ تاریخ را یکی از زیرکانه‌ترین حیل‌های هیئت حاکمه برای تهیه زمینه تغییر قانون اساسی دانست. او تاریخ شمسی را یکی از افتخارات ملی و مذهبی دانست، چون هم مبدأ آن به‌طور دقیق معلوم است و هم دقت آن بسیار زیاد است. «در زمان خلافت عمر به پیشنهاد علی بن ابی طالب هجرت پیامبر را مبدأ قرار داده‌اند. تاریخ میلادی در واقع دو قرن بعد از برقراری مبدأ تاریخ اسلامی و به تقلید از آن به‌وجود آمده است. مبدأ قرارداد تاج‌گذاری کوروش فقط باعث خنده دانشمندان و تاریخ‌دانان شده است، زیرا گاه‌شماری دقیقی در این باره به دست نیامده است و تصویب این تغییر با دقت و تعمق انجام نشده است و فقط به منزله نوعی تملق عبث است. ولی این عمل در اصل زمینه‌ای برای تغییر قانون اساسی است تا مثلاً در جلسه مشترک دیگری قانون اساسی را لغو کنند و قانونی جدید به تصویب برسانند. اگر این نیت شوم عملی شود اسلام از صورت دین رسمی کشور خارج خواهد شد و هیچ‌کس تعهدی درباره دفاع از سلطنت مشروطه ایران نخواهد داشت و بسیاری از مفاسد دیگر هم به‌وجود خواهد آمد» (مراسان، ش ۱۷۹۵، صص ۳۱ و ۳۲).

نگاه گروه‌ها به تغییر مبدأ تقویم متفاوت بود. روحانیون با وجود اینکه فقط از تقویم قمری استفاده می‌کردند، تغییر مبدأ تقویم شمسی را توهین به اسلام و پیامبر قلمداد کردند و رفته‌رفته با اوج‌گرفتن اعتراضات، این تغییر را نشانه گرایش حکومت به دین زرتشت دانستند و اکثرشان خواستار لغو این تقویم شدند و فقط آیت‌الله شریعتمداری در ابتدا خواستار برقراری هر دو تقویم بود؛ ولی او هم بعدها خواستار لغو تقویم شاهنشاهی شد.

دانشجویان هم که عده‌ای از آن‌ها گرایش‌های اسلامی داشتند، این عمل را در جهت حذف اسلام و از بین بردن اتحاد خلق می‌دانستند.

حزب زحمتکشان هم که از نیروهای ملی بودند، این اقدام را زمینه تغییر قانون اساسی می دانستند.

۲- تحلیلی بر تغییر تقویم

محمدرضاشاه روحیه باستان‌گرایی و توجه به غرب را هم‌زمان باهم داشت. او در زمینه باستان‌گرایی اقداماتی هم انجام داد که خیلی از آنها اشتباهاتی بزرگ بود؛ از جمله برگزاری جشن دوهزاروپانصدساله. او با ازبین بردن درآمد ملی در راه این جشن آماج انتقادات قرار گرفت. این انتقادات فقط از سوی مردم نبود، بلکه کشورهای پیشرفته هم این جشن را نقد کردند. جشن دوهزاروپانصدساله به هیچ‌وجه با خواست ملی هماهنگ نبود و مردم ایران آن را عظمت‌طلبی شاه تلقی کردند. از نظر تاریخی سلطنت شاهنشاهی هیچ‌وقت به مذاق مردم خوش نیامده است، زیرا بسیاری از شاهان سفاک و خونریز بوده‌اند. هزینه‌های گزافی که برای این جشن می‌شد، به‌راستی در کنار فقر مردم توجیه‌پذیر نبود (نراقی، ۱۳۸۲، صص ۵۷-۵۹).

حسین نصر که خود در دستگاه حکومت حضور داشت، مخالف وطن‌پرستی کاذبی بود که فقط از کوروش و تاریخ باستان صحبت کند و چهارده قرن تاریخ اسلامی را نادیده بگیرد. او می‌نویسد که شاه فریب مشاورانش را خورد و فکر کرد که برگزاری این نوع جشن‌ها او را در نظر جهانیان بزرگ جلوه می‌دهد؛ درحالی که عده‌ای از این فکر در جهت منافع خودشان ارتزاق می‌کردند و دائماً به شاه پیشنهاد می‌دادند که فلان کار انجام شود؛ چون برای آن‌ها منفعت و سود مالی داشت. بودجه زیاد این جشن‌ها باعث شده بود تا دلال‌ها از این جریان استفاده کنند و پول زیادی به جیب بزنند (نصر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹).

شجاع‌الدین شفا مهم‌ترین مشوق شاه در برگزاری جشن دوهزاروپانصدساله بود. او هدف از برگزاری این جشن را به‌دست آوردن شخصیت، اعتماد به نفس، غرور ملی و پایان عصر عقده حقارتی می‌دانست که جهان غرب و شرق در

دو سده گذشته برای کشور ما رقم زده بودند. او گفت: این جشن باعث شد تا همگان متوجه شوند که دوران انحطاط و حقارت ایران برای همیشه به پایان رسیده است و هزینه آن در مقابل نشان دادن عظمت ایران ناچیز است (شفا، ۱۳۷۹، صص ۱۲۱-۱۲۲). طرز تفکر شاه و اطرافیان این بود که این جشن برای نشان دادن قدرت ایران به غربی هاست و شاید شاه هیچ گاه فکر نمی کرد یا اهمیت چندانی به این موضوع نمی داد که مردم و روحانیون از این نوع اقدامات ناراحت و خشمگین اند.

حتی مطبوعات آمریکا هم مطالبی انتقادآمیز درباره این جشن نوشتند. جورج بال - معاون سابق وزارت امور خارجه آمریکا - گفته بود: «چه مناظر پوچ و زنده‌ای! فرزند یک سرهنگ فوج قزاق، در کشوری که درآمد سرانه مردم آن ۲۵۰ دلار در سال است، مانند یک امپراتور جشن بر پا کرده و با ادعای رفورم و نوگرایی، البسه و پوشاک دوران استبداد باستانی را به نمایش گذاشته است!» (نجاتی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۵۰).

پرنس هوگ - مدعی تاج و تخت اسپانیا - هم معتقد بود که بحران ایران از زمان برگزاری جشن‌های تخت جمشید آغاز شد (نراقی، ۱۳۸۲، ص ۵۵). تصور می شد که شاه با انتقادات بین‌المللی و آشکار شدن مخارج زیاد جشن‌های تخت جمشید و عوارض منفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن از این کارها دست بردارد؛ ولی او با تک‌حزبی کردن مملکت به اقدامات نسنجیده خود ادامه داد (بهنود، ۱۳۷۴، ص ۶۴۵).

حزب رستاخیز، شاه را رهبری معنوی و سیاسی معرفی می کرد و هدفش تقویت رژیم و نهادینه کردن هرچه بیش تر سلطنت بود؛ ولی این کار فاصله بین سلطنت و جامعه را بیش تر کرد. یکی از عوامل مهم ایجاد فاصله بین مردم و حکومت، تغییر دادن تقویم کشور در اسفند سال ۱۳۵۴ ش/ ۱۹۷۶ م بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴۲). این در حالی بود که در سال ۱۳۵۴ دیگر از قیمت افسانه‌ای نفت خبری نبود، کارگران ناراضی بودند، کارمندان دولت زیر فشار کمبود مسکن و

گرانی به ستوه آمده بودند. روستاها خالی از سکنه می‌شد و [مردمش] به تهران مهاجرت می‌کردند؛ ولی شاه و اطرافیانش غرق در کارهای خود بودند و اعتراضات مردم را جدی نمی‌گرفتند (بهنود، ۱۳۷۴، ص ۶۴۸).

در ایران انتقاد از شاه ممنوع بود. جای انتقادها و اظهارنظرهای واقعی و شخصی درباره شاه خالی بود. حتی خاندان سلطنتی هم جرئت نمی‌کردند حرف‌های شاه را زیر سؤال ببرند (لاینگ، ۱۳۷۱، ص ۴). نیروهای امنیتی حکومت مانند ساواک گزارشی درست به شاه ارسال نمی‌کردند، حتی درباره اعتراضات هم گزارش‌هایی که عمق ماجرا را نشان می‌داد مخبره نمی‌شد. آن‌ها هم مانند بسیاری از ایرانیان فقط علاقه‌مند بودند تا رضایت خاطر شاه را فراهم کنند (هلمز، ۱۳۷۱، ص ۱۰۸). به این دلیل با وجود دگرگونی در فضای سیاسی کشور در اواخر سال ۱۳۵۶/۱۹۷۸ - که با تظاهرات قم نمایان شد - حتی تا دوران شریف‌امامی هم هنوز کسی در دربار اهمیت این اتفاقات و به صحنه آمدن نیروهای مذهبی را جدی نمی‌گرفت و این‌ها را از عوارض فضای باز سیاسی می‌دانستند (مسعود انصاری، ۱۳۸۲، صص ۹۲-۹۴). خود شاه هم تأیید می‌کند که هم‌زمان با رشد اقتصادی، توسعه سیاسی رشد نکرده بود (پهلوی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۲).

شاه اعتراضات نیروهای مذهبی و روحانیون را درباره تغییر تقویم جدی نگرفت. او پس از اعتراض آیت‌الله گلپایگانی هیچ اعتنایی به تلگراف او نکرد و حتی پس از اعتراض آیت‌الله خوانساری هم به علم گفت: ما تقویم هجری قمری را - که همیشه مورد استفاده علما بوده [است] - تغییر نداده‌ایم؛ علما چه وقت به سال هجری شمسی عمل می‌کرده‌اند که الآن یقه‌درانی می‌کنند (علم، ۱۳۹۳، ج ۵، صص ۵۰۳-۵۰۵).

شاه معتقد بود که برای احیای فرهنگ ایرانی - با آن همه اصالت و زیبایی‌اش - مبنای تاریخ کشور را به آغاز دوران هخامنشیان بازگردانده‌است، بدون اینکه تقویم قمری را کنار بگذارد. او تأکید داشت که ایران دو تقویم دارد، شاهنشاهی و قمری که اولی تقویمی تاریخی است و دومی تقویمی مذهبی (پهلوی، ۱۳۷۵،

ص ۲۲۴). ولی شاه به این نکته توجه نداشت که تغییر مبدأ تقویم شمسی به منزله تغییر تقویم مذهبی کشور است، زیرا مبدأ این تقویم رویدادی مذهبی بوده است. شاه روحیه باستان‌گرایی داشت. ولی تغییر تقویم از این جهت نبود که شاه به اسلام و پیامبر اسلام بی اعتقاد باشد؛ برعکس، او خود را مؤمن و وابسته به امامان می دانست و معتقد بود که خداوند حافظ شاه بوده و حتی سال‌ها پیش در کتابش نوشته است که خواب امام علی و حضرت عباس و امام زمان را دیده است و همه آن‌ها به نوعی از او محافظت کرده‌اند؛ او به قضا و قدر معتقد بود (پهلوی، ۱۳۴۹، صص ۶۶-۶۸). شاه شاید از نظر خودش فردی مؤمن و معتقد بود، ولی عملکردش خلاف این را نشان می داد.

نیکی کدی معتقد است: «در هیچ حکومتی به اندازه حکومت پهلوی در تجلیل از سلطنت اغراق نکردند و این کار، اسلام را به نوعی از ارزش می انداخت و موجبات ناراحتی علما می شد. او با تحمیل یک تاریخ جدید که مبدأ آن به جای آن که هجرت پیامبر باشد، پادشاهی کوروش بود، بسیاری را قانع کرد که شاه در صدد ریشه کن کردن اسلام است» (کدی، ۱۳۷۵، ص ۴۱۱).

شاه با تغییر تقویم در صدد نشان دادن قدمت تاریخ ایران به غربی‌ها بود؛ ولی این کار در بین روحانیت به بی دینی تعبیر می شد و حربه‌ای به دست مخالفان می داد تا به کمک آن تبلیغاتی وسیع علیه شاه ترتیب دهند (مازند، ۱۳۷۳، ص ۵۶۰).

شاه می توانست به جای تقویم شاهنشاهی از تقویم میلادی استفاده کند. بسیاری از کشورها مانند هند، ژاپن و حتی کشورهای منطقه مانند ترکیه، پاکستان و ... از تقویم میلادی استفاده می کردند تا در روابط بین الملل، معاملات بانکی و فعالیت‌های اقتصادی با جامعه جهانی هماهنگ باشند (توکلی نیشابوری، ۱۳۹۲، ص ۳۹۰). ولی شاه که در پی نشان دادن قدمت تاریخ ایران و هم‌چنین متمایز کردن خود در جامعه بود، تاریخ شاهنشاهی را برگزید.

این تصمیم نه تنها مشکلات موجود را کم نکرد، بلکه در کشور شیعه‌مذهب ایران نوعی بدعت تلقی شد و سبب نارضایتی عمومی و تحریک گروه‌های مذهبی

کشور شد؛ چون فضای جامعه در آن زمان به‌گونه‌ای بود که هر حرکت جدیدی سبب‌ساز نارضایتی‌های بیش‌تری می‌شد (توکلی نیشابوری، ۱۳۹۲، ص ۳۹۰).
شاه در تنظیم الگوی جهان‌نمادین باستان و تجدد، جهان‌نمادین اسلامی را وانهاد و فرصتی عالی در اختیار روشنفکران و روحانیون گذاشت تا با اتکا به این جهان‌نمادین، اذهان مردم را متحول سازند و از این الگوی اسلامی-شیعی نهایت بهره را ببرند (استوار، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱).

جان استمپل، رایزن سیاسی سفارت آمریکا، در تلگرامی محرمانه دربارهٔ اوضاع سیاسی ایران می‌نویسد: «تغییر دادن تقویم، بسیاری از مردم را خشمگین کرده است و اگر وضعی به‌وجود آید که نظم عمومی به‌هم بریزد، روحانیون و پیروانشان نیرویی آزاد تشکیل خواهند داد و به مبارزه دست خواهند زد» (شوکران، ۱۳۸۲، ص ۳۵۰).

۳- بازگرداندن مبدأ تقویم از شاهنشاهی به هجری

اعتراضات و تظاهرات در اواخر دوران پهلوی گسترده شد. در این دوره دولت‌ها و سازمان‌های خارجی شاه را تحت فشار قرار دادند تا نظارت‌های پلیسی را تعدیل کند؛ جیمی کارتر هم که رئیس‌جمهور آمریکا شده بود، بر دفاع از حقوق بشر تأکید داشت. شاه به فشارهای خارجی واکنش مثبت نشان داد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۶۱۲-۶۱۶). شاه بعد از حدود سیزده سال نخست‌وزیر خود را عوض کرد. او در مرداد ۱۳۵۶/۱۹۷۸ جمشید آموزگار را به‌جای هویدا به نخست‌وزیری منصوب کرد. از زمان تشکیل دولت جدید، فضای باز سیاسی ایجاد شد؛ ولی این فضای باز سیاسی به‌نفع مخالفان تمام شد و از دی‌ماه ۱۳۵۶/۱۹۷۸ با انتشار مقالهٔ روزنامهٔ *اطلاعات*، اعتراضات خیابانی چندبرابر شد (پهلوی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۳).

شاه با شدت گرفتن اعتراضات، دولت آموزگار را برکنار کرد و جعفر شریف‌امامی را به‌عنوان نخست‌وزیر برگزید. او بیش‌ترین آزادی ممکن را به این دولت داد. شریف‌امامی در خاطرات خود بر این نکته تأکید می‌کند: «اعلی‌حضرت وقتی که من نخست‌وزیر شدم فرمودند که فشار آمریکایی‌ها این است که آزادی بیش‌تری به وکلا

و روزنامه‌ها و مردم بدهید» (متن کامل خاطرات جعفر شریف‌امامی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). شریف‌امامی می‌خواست میان ملت و حکومت آشتی ایجاد کند. شریف‌امامی ظاهراً به این شرط مقام نخست‌وزیری را پذیرفته بود که شاه دست او را در کارها باز بگذارد، از دخالت مستقیم در امور کشور خودداری کند و فقط به نظارت بر کارها بپردازد. او مسیر اقدامات آشتی‌جویانه‌ای را که شاه از چند هفته قبل آغاز کرده بود دنبال کرد (پارسونز، ۱۳۶۳، ص ۱۱۰).

مردم از همان ابتدا به تغییر مبدأ تقویم معترض بودند. حکومت شاید هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد که تغییر مبدأ تقویم شمسی از هجری به شاهنشاهی (از هجرت پیامبر به تاج‌گذاری کوروش) با این مقدار واکنش مواجه شود. انقلابیون و روحانیون تحت‌تأثیر فضای باز سیاسی به این تغییر واکنش نشان دادند. آن‌ها در ابتدا این تغییر را اهانت به پیامبر تلقی کردند، ولی رفته‌رفته حمله‌ها به این تغییر بسیار شدیدتر شد و این تغییر را نشانه‌ی ضد اسلام بودن شاه و حکومت دانستند. از طرفی هم، این کار را نشانه‌ی تقویت دین زرتشتی می‌دیدند و در سخنرانی‌های خود مردم را علیه این تغییر تهییج می‌کردند.

امام‌خمینی نیز در ابتدا استفاده از این تقویم را حرام اعلام کرد. نظرات امام درباره‌ی تغییر تقویم کم‌کم شدیدتر شد. امام‌خمینی این تغییر را حتی از کشته‌شدن مردم در تظاهرات بدتر تلقی کرد (صحیفه‌ی امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۴۳). این نظرات خیلی روی مردم تأثیر می‌گذاشت.

امام‌خمینی حتی پس از لغو تقویم شاهنشاهی و برگشت تقویم شمسی با مبدأ هجرت پیامبر باز هم از تقویم شاهنشاهی انتقاد می‌کرد. او لغوکردن این تاریخ را فریب‌کاری حکومت می‌دانست تا مردم دست از مبارزه بردارند و به مردم هشدار می‌داد که این تغییر در مجلسین انجام شد و الآن حرف شاه و وزیر در مقابل مجلسین ارزش قانونی ندارد (صحیفه‌ی امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۴۴۹-۴۵۰). حکومت هم که واکنش مردم را به تغییر تقویم می‌دید، پس از به‌وجود آمدن بحران در کشور درصدد تغییراتی برآمد. هنوز در کنار نام امام‌خمینی، نام سه

تن از مراجع به گوش می‌رسید. اعلامیه‌هایی که در قم صادر می‌شد با امضای آیت‌الله شریعتمداری، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله مرعشی بود؛ ولی در میان این سه تن آیت‌الله شریعتمداری ممتازتر بود. به‌همین دلیل احمدعلی مسعود انصاری از وابستگان حکومت پهلوی - که فردی مذهبی می‌نمود- اجازه ملاقات با آیت‌الله شریعتمداری را از شاه خواستار شد؛ درنهایت شاه این اجازه را به او داد. در ۱۵ فروردین ۱۳۵۷/۴ آوریل ۱۹۷۸ مسعود انصاری با آیت‌الله [شریعتمداری] ملاقات کرد. مأموریت او این بود که با کمک آیت‌الله [شریعتمداری] اوضاع را آرام کند و خواسته‌های روحانیت را انجام دهد. آیت‌الله شریعتمداری چند خواسته داشت که مهم‌ترین آن این بود که تقویم را به مبدأ تاریخ هجرت پیامبر برگردانند (مسعود انصاری، ۱۳۸۲، صص ۱۱۲-۱۱۹).

شاه که فکر می‌کرد اوضاع در کنترل آیت‌الله شریعتمداری است با تغییر تقویم موافقت کرد و متعاقب آن شریف‌امامی بیانیه معروف خود را با عبارت «مردم به پا خیزید، میهن در خطر است» آغاز کرد و چند تصمیم عجولانه را اعلام کرد. شریف‌امامی در ۵ شهریور ۱۳۵۷/۲۷ اوت ۱۹۷۸ بدون اطلاع رسمی، و بدون تصویب دولت و مجلسین، تقویم شاهنشاهی را لغو و تقویم هجری شمسی را دوباره برقرار کرد (نهادندی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵).

در روز ۵ شهریور ۱۳۵۷/۲۷ اوت ۱۹۷۸ بخش‌نامه‌ای برای استفاده مجدد از تقویم هجری شمسی به تمام وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها و ادارات کل نخست‌وزیری ارسال شد؛ مبنی بر اینکه: «مصوب ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۴/۳۱ مارس ۱۹۲۵ به قوت خود باقی است» (ساکما، ۴۸۸۵۲-۲۹۷).

سیاست‌های شریف‌امامی با انتقاد نمایندگان مجلس شورای ملی مواجه شد. او طی بخش‌نامه‌ای به قانون اساسی استناد کرد و تاریخ شمسی را تاریخ رسمی مملکت معرفی کرد، ولی خود او در همان روزی که تاریخ هجری شمسی در سال ۱۳۵۴/۱۹۷۶ از رسمیت افتاد - درست برخلاف استدلال امروزش در این بخش‌نامه - ریاست جلسه مشترک مجلسین را به‌عهده داشت (لوح فشرده

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۱۸۱، ۱۳۵۷/۶/۲۲).
 شریف‌امامی چهره‌ای بود که در رویدادهای سیاسی بی‌طرف به حساب می‌آمد؛ ولی در کار اقتصادی نام او همه‌جا بود. اقدامات دیگر او بستن کازینوها و تعطیلی قمارخانه‌ها بود؛ درحالی‌که خود او تا دیروز به‌عنوان مدیرعامل بنیاد پهلوی بر آن‌ها ریاست می‌کرد (مسعود انصاری، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

پرویز ثابتی معتقد بود که انتخاب شریف‌امامی برای نخست‌وزیری درست نبوده است، چون او در بین مردم حسن شهرت ندارد و مردم او را رئیس سازمان فراماسونری می‌دانند و از لحاظ مالی هم او را فردی درستکار نمی‌دانند. ثابتی با بیانیه‌های دولت برای راضی کردن روحانیون مخالف بود (ثابتی، ۱۳۹۰، صص ۴۳۷-۴۴۵).

سیدحسن امامی - امام‌جمعه تهران - نیز معتقد بود که دولت نباید در مقابل روحانیون کوتاه بیاید و با آن‌ها سازش کند. او حتی وقتی مبدأ تقویم از شاهنشاهی به هجری برگشت، ناراحت شد و گفت: الآن زمان مناسبی برای کوتاه آمدن نیست. دولت باید در نقطه قدرت قرار بگیرد و بعد با روحانیون صحبت کند؛ هر سازشی نقطه ضعف است (ثابتی، ۱۳۹۰، صص ۴۶۷).

روزنامه‌ها هم این خبر را گزارش دادند که سال هجری شمسی دوباره تاریخ رسمی کشور شده است و شناسنامه‌ها با تاریخ هجری شمسی صادر خواهند شد (روزنامه آیندگان، ش ۳۲۰۳، ص ۲۲).

روزنامه اطلاعات به تاریخ ۶ شهریور ۱۳۵۷/۲۸ اوت ۱۹۷۸ نظرات روحانیون و مردم را درباره تغییر تقویم شاهنشاهی به شمسی جویا شد: «فلسفی: درباره تصمیمات دولت فعلاً نمی‌توان نظر داد تا در عمل ببینیم چه می‌شود. آیت‌الله طالقانی: تاریخ شاهنشاهی برای مسلمانان عقده‌ای به وجود آورده بود که همه را آزرده بود؛ حالا که تاریخ به صورت اول برگشته است، تأثیری مفید در افکار عمومی خواهد داشت. سیدمحمد بهبهانی: یکی از مسائل اجتماعی که مردم با آن دست‌به‌گریبان هستند تقویم است و تقویم هجری شمسی برای کسبه و تجار مطلوب است. یکی از تجار فرش بازار تهران اظهار داشت: تغییر سال شمسی به

شاهنشاهی مشکل بزرگی برای تجار فراهم آورده بود، زیرا بیش تر دادوستدهای تجار براساس سفته و چک‌های مدت‌دار انجام می‌شود. این تغییر باعث شده بود که مشکلات زیادی برای تجار از جهت تطبیق تاریخ قدیم با تاریخ جدید به وجود بیاید؛ هم‌چنین مبدأ تاریخ کشور براساس هجرت پیامبر اسلام برای مردم مسلمان ما موضوعی مذهبی بود. خانم خانه‌داری گفت: به علت تبدیل سال شمسی به سال شاهنشاهی سال تولد دو دختر من در شناسنامه‌های صادر شده بیش از هزار سال با یکدیگر تفاوت دارد» (روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۶۹۷، ص ۲۳).

مهدی بازرگان در مسجد قبا ضمن سخنرانی درباره آزادی گفت: همین قدر که تاریخ شاهنشاهی سرنگون شد، خوشحال هستیم و باید به دنبال این شادی، شادی‌های بزرگ‌تری به دست آوریم (مراسن، ش ۱۵۵۳، ص ۱۸).

شاه با بازگرداندن تقویم به حالت قبل به این فکر بود تا بتواند اوضاع را کنترل کند. البته بودند کسانی که از این تغییر خشنود شدند، ولی در این وقت، دیگر ابتکار عمل به دست آیت‌الله شریعتمداری نبود و این امام بود که خط و مشی حرکت انقلابی را مشخص می‌کرد. امام پس از این تغییر بازهم کوتاه نیامد و این کار دولت را عوام‌فریبی دانست و به مردم هشدار داد تا گول این حکومت را نخورند (صحیفه امام...، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۴۹).

البته عامل مهم دیگری هم در این میان به وقوع پیوست و آن حادثه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بود. در این روز حکومت نظامی اعلام شده بود؛ ولی مردم برای تظاهرات به میدان ژاله رفته بودند. در این تظاهرات کشتار پیش آمد و این اتفاق بر اذهان عمومی تأثیر گذاشت. دولت شریف‌امامی آمده بود تا مملکت را آرام کند، ولی شتاب حوادث نشان داد که این اقدامات مقطعی، کمکی به آرام کردن مخالفان نخواهد کرد. در این میان تبعید امام خمینی به فرانسه به هرچه بهتر دیده شدن نهضت اسلامی کمک کرد، زیرا امام در مرکز توجه وسایل ارتباط جمعی دنیا قرار گرفت و بیش از پیش اعلامیه صادر کرد و مردم را علیه حکومت رهبری کرد.

نتیجه‌گیری

روحانیون به دلیل تقیدات مذهبی فقط از تقویم هجری قمری استفاده می‌کردند؛ ولی تغییر مبدأ تقویم شمسی را هم، اهانت به دین اسلام و پیامبر تلقی کردند. مسئله اصلی این بود که شاه اصلاً به این واکنش‌ها اهمیتی نمی‌داد و معتقد بود که تقویم هجری قمری برای مسائل مذهبی وجود دارد ولی این حرف او کسی را راضی نمی‌کرد. عموم مردم هم با این تغییر تقویم به مشکلاتی برمی‌خوردند، زیرا باید تمام معاملات اقتصادی خود را به تاریخ شاهنشاهی می‌نوشتند و باید محاسبه می‌کردند که مثلاً سال ۱۳۵۴ش، کدام سال شاهنشاهی است. ملی‌گرایان هم این تغییر را نشانه زمینه تغییر قانون اساسی می‌دانستند و با آن مخالفت می‌کردند.

در این سال‌ها کشور دچار بحران شده بود و امام خمینی به دلیل نظرات تندش درباره حکومت، محبوب مردم و هم‌چنین مرجع تقلید بخش بزرگی از مردم شده بود. امام حدود شش ماه پس از تصویب تغییر تقویم واکنشی شدید به این موضوع نشان داد و استفاده از این تقویم را حرام اعلام کرد. امام در ابتدا این تغییر را نشانه ضد دین بودن شاه دانست؛ ولی کم‌کم نظراتش شدیدتر شد و این تغییر را نشانه گرایش حکومت به زرتشتی‌گری دانست. نظرات امام برای مردم اهمیت داشت و آن‌ها هم به این تغییر حساس شده بودند. تصمیم شاه برای تغییر تقویم، حربه‌ای به دست مخالفان داد تا به مردم نشان دهند که شاه ضد دین است. روحانیون تغییر تقویم را نشانه ضدیت شاه با دین اسلام می‌دانستند؛ ولی شاه مخالف اسلام نبود و این تغییر هم به نشانه از بین بردن دین اسلام نبود و بیش‌تر برای نشان دادن عظمت گذشته ایران به غربیان بود. ولی در حال این کار شاه حذف نمادی اسلامی بود و این بی‌توجهی شاه به نمادهای اسلامی باعث شد تا ابتکار عمل به دست روحانیون بیافتد.

در سال ۱۳۵۷ش شاه تازه متوجه بحران کشور شد و در صدد برآمد تا فضای باز سیاسی ایجاد کند؛ بنابراین دولت شریف‌امامی را با اختیاراتی وسیع روی کار

آورد. ولی روزبه‌روز اعتراضات به تغییر تقویم زیادتر شد، به‌نحوی که در هر محفلی سخن از این تغییر بود. شریف‌امامی در اولین فرصت تقویم شاهنشاهی را به تقویم هجری شمسی برگرداند و فکر کرد که می‌تواند با این کار اعتراضات را کنترل کند؛ ولی دیگر خیلی دیر شده بود، چون امام‌خمینی روحانی‌ای نبود که با این اقدامات کوتاه بیاید و هم‌چنان تا پیروزی انقلاب اسلامی مردم را به مبارزه فراخواند.

منابع فارسی

کتاب

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۲). *ایران بین دو انقلاب؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. (چ ۲). (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- استوار، مجید. (۱۳۹۱). *انقلاب اسلامی و نبرد نمادها*. تهران: معاونت پژوهشی پژوهشکده امام‌خمینی و انقلاب اسلامی.
- استوار، مجید. (۱۳۹۲). *انقلاب اسلامی و نبرد نمادها*. تهران: نگاه معاصر.
- *اسناد انقلاب اسلامی*. (۱۳۷۴). (چ ۱). (چ ۲). تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۷۶). (کتاب اول). (چ ۱). تهران: سروش.
- *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۷۶). (کتاب چهارم). (چ ۱). تهران: سروش.
- *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۷۶). (کتاب هفتم). (چ ۱). تهران: سروش.
- *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۷۶). (کتاب هشتم). (چ ۱). تهران: سروش.
- *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۷۶). (کتاب دهم). (چ ۱). تهران: سروش.
- بهنود، مسعود. (۱۳۷۴). *دولت‌های ایران از سید ضیا تا بختیار، سوم اسفند ۱۲۹۹ - بیست‌ودوم بهمن ۱۳۵۷*. (چ ۶). تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- پارسونز، آنتونی. (۱۳۶۳). *غرور و سقوط*. (چ ۲). (منوچهر راستین، مترجم). تهران: انتشارات هفته
- پهلوی، محمدرضا. (۱۳۴۹). *مأموریت برای وطنم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پهلوی، محمدرضا. (۱۳۷۵). *پاسخ به تاریخ*. (چ ۴). (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: نشر سیمرغ.

- توکلی نیشابوری، نصرالله. (۱۳۹۲). *آخرین سقوط آریاها: خاطرات اولین رئیس ستاد کل ارتش پس از انقلاب*. مریلند: انتشارات آبیکس.
- *تهاجم به روحانیت و حوزه‌های علمیه در تاریخ معاصر*. (۱۳۷۹). (چ ۱). تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- ثابتی، پرویز. (۱۳۹۰). *در دامگه حادثه: گفت‌وگویی با پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک*. (عرفان قانعی فرد، کوشش گر). لس آنجلس: شرکت کتاب.
- حسینی طهرانی، محمدحسین. (۱۳۶۴). *رسالة نوین دربارهٔ بناء اسلام بر سال و ماه قمری و تفسیر آیه «ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعة حرم ذلك الدین القیم»: بحث تفسیری، روایی، فقهی و تاریخی*. قم: انتشارات صدرا.
- حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۳). *چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۱۳۴۳-۱۳۵۶)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *خاطرات آیت‌الله سیدحسین موسوی تبریزی*. (۱۳۸۴). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- *خاطرات آیت‌الله محمد یزدی*. (۱۳۸۰). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *خاطرات حجه‌الاسلام جعفری اصفهانی*. (۱۳۸۶). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *خاطرات حجه‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی*. (۱۳۸۴). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *خاطرات حجه‌الاسلام والمسلمین محمد سماوی*. (۱۳۸۴). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *خاطرات ماشالله کازرونی: روایت شفاهی از هفتاد سال مبارزهٔ ضد استعماری و استبدادی دشتستان*. (۱۳۸۸). تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- *خاطرات محمدحسن خاکساران*. (۱۳۸۳). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *دوانی، علی*. (۱۳۷۷). *نهضت روحانیون ایران*. (ج ۶ و ۵). (چ ۲). تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *سیر مبارزات امام خمینی در آینهٔ اسناد به روایت ساواک*. (۱۳۸۶). (ج ۱). (چ ۱). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شفا، شجاع‌الدین. (۱۳۷۹). *جنایت و مکافات: سیری در نخستین انقلاب سیاه تاریخ جهان*. پاریس: انتشارات فرزاد.
- شوکراس، ویلیام. (۱۳۸۲). *آخرین سفر شاه (سرنوشت یک متحد آمریکا)*. (چ ۱۳). (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، مترجم). تهران: نشر آسیم.

- صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی. (۱۳۸۵). (ج ۳ و ۴). (چ ۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- علم، امیر اسدالله. (۱۳۹۳). یادداشت‌های علم: متن کامل. (ج ۵). تهران: معین.
- فرهنگ در عصر پهلوی. (۱۳۷۹). (چ ۱). تهران: انتشارات جهان کتاب.
- کدی، نیکی آر. (۱۳۷۵). ریشه‌های انقلاب ایران. (چ ۲). (عبدالرحیم گواهی، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- لاینگ، مارگارت. (۱۳۷۱). مصاحبه با شاه. (چ ۲). (اردشیر روشنگر، مترجم). تهران: نشر البرز.
- مازندی، یوسف. (۱۳۷۳). ایران ابرقدرت قرن؟. (چ ۲). (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کوشش گر). تهران: نشر البرز.
- متن کامل خاطرات جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر ایران (۱۳۳۹-۱۳۴۰ و ۱۳۵۷). (۱۳۸۰). تهران: سخن.
- مسعود انصاری، احمدعلی. (۱۳۸۲). من و خاندان پهلوی. (چ ۶). تهران: نشر پیکان.
- نجاتی، غلام‌رضا. (۱۳۷۳). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران: از کودتا تا انقلاب. (ج ۱). (چ ۴). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نراقی، احسان. (۱۳۸۲). از کاخ شاه تا زندان اوین. (چ ۵). (سعید آذری، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نصر، حسین. (۱۳۹۳). حکمت و سیاست: تاریخ شفاهی زندگی و آثار دکتر سیدحسین نصر... (حسین دهباشی، کوششگر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- نوری همدانی، حسین. (۱۳۸۶). اسلام مجسم: علمای بزرگ اسلام. (ج ۱). (چ ۸). قم: انتشارات مهدی موعود.
- نهاوندی، هوشنگ. (۱۳۸۹). خمینی در فرانسه. (دادمهر، مترجم). لس آنجلس: انتشارات شرکت کتاب.
- هلمز، سینتیا. (۱۳۷۱). خاطرات همسر سفیر. (چ ۲). (اسماعیل زند، مترجم). تهران: نشر البرز.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۱۷۴۱۱-۱۷۴۱۲؛ ۴۸۸۵۲-۴۹۷.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان):
- شماره پرونده، ۱۰۷۲، ص ۱؛ ش ۱۱۶۸، ص ۱۷؛ ش ۱۵۵۳، ص ۱۸؛ ش ۱۷۹۵، صص ۳۱

۳۲؛ ش ۲۰۸۵، ص ۳؛ ش ۲۷۰۱، ص ۳۴؛ ش ۳۳۵۱، صص ۱۳، ۴۵، ۴۸، ۴۹؛ ش ۳۳۵۵، صص ۱۱، ۱۹، ۲۸، ۳۲، ۳۳؛ ش ۷۴۹۷، ص ۳۲؛ ش ۷۷۸۰، ص ۵۹؛ ش ۴۳۹۹۱، ص ۲۲۳.

روزنامه

- آینه‌گان، ش ۳۲۰۳، (۶ شهریور ۱۳۵۷).
- اطلاعات، ش ۱۵۶۹۷، (۶ شهریور ۱۳۵۷).

منابع اینترنتی

- لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۱۸۱، ۱۳۵۷/۶/۲۲.

